

جستاری بر سیاست کیفری افتراقی نظام حقوقی ایران در شرایط جنگ نظامی

امیرحسین یوسف نیا^۱ محمدرضا شکردایی^۲ مجید متین راسخ^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

^۲ کارشناسی حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، شهر قدس، ایران

قاضی بازنشسته و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، شهر قدس، ایران

چکیده. اتخاذ تصمیم و تعیین تدابیر لازم در شرایط فوق العاده از جمله بایسته هایی است که دولتمردان می باید در خط و مشی قواعد مسلم حقوقی از جمله جرایم و مجازاتها به ارمغان آورند. این مهم، همواره با اقتباس از شرایط غیرعادی پیش آمده ای است که بینش سیاسی را به سوی تفکر و تأمل مقتضی، پیرامون مقابله با این شرایط از طریق باید و نبایدها می برد. جنگ گرم یا همان درگیری مستقیم نظامی دو کشور با یکدیگر نیز از این شرایط مستثنا نیست، بلکه این موضوع، وضعیتی را ایجاد می کند که در آن قواعد محرز کیفری پیرامون انواع دادرسی کیفری، شعبات تخصصی محاکم، جرایم مرتبط با جنگ، دستورات مقامات ذیصلاح، نقیصه های قانونی، اعلام جنگ و شرایط جنگی و تبیین و تعیین این وضعیت به غایت عمومی به تدبیر و تصمیم می رسد. علی ای حال سیاست کیفری نظام حقوقی ایران با رعایت کلیه قوانین بین الملل و احترام به اراضی و متعلقات سرزمین های دیگر و پرهیز از هرگونه تهاجم همواره مبتنی بر قواعد صلح آمیز است؛ ولیکن این موضوع بدان تعبیر نیست که نظام حقوقی ایران با پشوانه ولایت امر مسلمین و نیروهای غیور مسلح نسبت به نقض حریم زمینی، دریایی و هوایی و هرگونه تهاجم به خاک مقدس ایران زمین بی تفاوت باشد، بلکه پاسخی کوبنده و بیچاره کننده به فرمایش مقام معظم ولایت مسلمین جهان، حضرت امام خامنه ای در انتظار متجاوزان خواهد بود. علیهذا پیرو این جستار به موضوع سیاست کیفری نظام حقوقی ایران در شرایط جنگ گرم برای سلب ثقل مفهوم و تجویز معلوم پژوهشی به عمل آمده که با گردآوری مفاهیم مورد اشاره در قالب این مقال معرفی می گردد.

واژگان کلیدی: شرایط جنگی، سیاست کیفری، سیاست افتراقی، قانون، جنگ نظامی

^۳ نویسنده مسئول: قاضی بازنشسته و مدرس دانشگاه، m.matinrasekh@qodsiau.ac.ir

A Study of the Differential Criminal Policy of the Iranian Legal System in Conditions of Military War

Amir Hossein Yousefnia¹, Mohammad Reza Shekardae², Majid Matin Rasekh³

¹Integrated LL.M. Student, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran

²B.A. in Law, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Shahre Qods Branch, Shahre Qods, Iran

³Retired Judge and Lecturer, Islamic Azad University, Shahre Qods Branch, Shahre Qods, Iran

Abstract

Decision-making and the adoption of necessary measures during exceptional circumstances constitute one of the essential duties of state authorities, particularly in relation to the fundamental principles of criminal law and the system of crimes and punishments. Such decisions inevitably arise from abnormal conditions that compel political leadership to deliberate on appropriate methods of confronting emerging threats through legally defined obligations and prohibitions. Hot warfare—that is, direct military confrontation between states—is no exception. Rather, it generates a legal environment in which firmly established criminal norms must address issues such as specialized criminal procedures, dedicated courts, war-related offenses, binding orders of competent authorities, legislative deficiencies, declarations of war, and the formal identification of a wartime situation. Despite this, the criminal policy of the Iranian legal system—while adhering fully to international law, respecting the territorial integrity of other states, and abstaining from aggression—remains fundamentally grounded in peaceful principles. However, this should not be interpreted as passivity in the face of violations of Iran's land, sea, or air sovereignty. On the contrary, backed by the authority of the Leader of the Islamic Ummah and the courage of the nation's armed forces, the Iranian legal system foresees a decisive and overwhelming response to any act of aggression, in accordance with the statements of the Supreme Leader, Imam Khamenei. Accordingly, the present study explores the criminal policy of the Iranian legal system during conditions of hot war, aiming to elucidate ambiguities, conceptualize the governing principles, and clarify the framework of wartime criminal policy through a structured synthesis of relevant concepts and norms.

Keywords : wartime conditions, criminal policy, differential criminal policy, law, military war.

سیاست کیفری نظام حقوقی ایران، مقتبس از قواعد مسلم شرعیه و با الهام از کلیه قواعد حقوق بشری، همواره سعی بر ایجاد امنیت مسالمت آمیز در راستای نظم دهی جامعه و صیانت از خاک و سرزمین کشور و حفظ جان، مال و عرض شهروندان دارد؛ بر همین راستا تصمیم مقتضی پیرامون شرایط متحمل جنگ نظامی، از جمله مقتضیات لازمست که ابزار سزادهی واکنش کیفری، همواره سعی بر به ارمغان رسانیدن آن دسته از تصمیمات خواهد داشت.

بی درنگ و بدون استثناء هیچ سرزمینی از تحمیل جنگ نظامی و ایجاد شرایط جنگی مصون نیست، لذا بدین سبب سرزمینی را نخواهید یافت که فارغ از قوای نظامی دفاعی و عدم تخصیص بودجه های لازم بدین موضوع، خود را تافته جدا بافته از این نوع وضعیت پر تلاطم بداند؛ بلکه امروزه با فراگیری تکنولوژی و زیاده خواهی برخی از رژیم های مستکبر من جمله رژیم جنایتکار آمریکا یا رژیم نامشروع، جنایتکار و کودک کش صهیونی، بلاشک لازم است که در گستره نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از سطوح مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و علی الخصوص قواعد مسلم حقوق کیفری به مثابه مفهوم دادرسی کیفری، اعلام شرایط جنگی، کشف جرم و تحقیقات، جرایم و مجازاتها، خلع و کاستی ها، تصمیمات و تدابیر مدبرانه ای اتخاذ گردد تا بدین سبب، پاسخ پشیمان و بیچاره کننده ای به آن متجاوزین در اعم و اخص داده شود. بنابر این، جنگ وضعیتی است که هیچ دولت و ملت متعارفی، خواهان وقوع آن نیست؛ به خصوص در جهان امروز که اقدامات متجاوزانه و تهاجم به سرزمین سایر کشور ها، علی الاصول ممنوع و محکوم می باشد. با این وجود، جنگ امری است که به کرات در طول تاریخ بشریت رخ داده، همواره احتمال وقوع آن وجود داشته و در برخی موارد، وقوع آن اجتناب ناپذیر است.

همانگونه که گفته شد، عرصه قانون، قانونگذاری و دادرسی نیز در این وضعیت مستثنی نیست؛ به این معنا که جنگ منجر به کژروی هایی می گردد که واکنش و بازخورد جامعه به آن، پاسخی متفاوت به همان رفتار مشابه در وضعیت صلح می باشد؛ بعلاوه رسیدگی عادی نیز نمی تواند نظم، عدالت و بازدارندگی لازم را ایجاد نموده و التهاب شکل گرفته در جامعه را برطرف نماید؛ به همین خاطر نظام های حقوقی مختلف، علی القاعده تدابیر مختلفی را متناسب با نظام سیاسی و اجتماعی خود اتخاذ می نمایند. بنابه هر جهت، نگارندگان در این نوشتار، در مقام بررسی یک تعریف صحیح و جامع از وضعیت جنگی، مفهوم سیاست کیفری افتراقی ناظر بر زمان جنگ، ظرفیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تدوین قوانین متناسب، بررسی انتقادی رویکرد قوانین فعلی در این راستا و ارائه پیشنهاد ها و راهکار ها در چارچوب کلیت نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران هستند. لذا به جهت تولید یک پژوهش و رویه ثابت با استفاده و اقتباس از منابع معتبر حقوقی از طریق روش کتابخانه ای و گفتمان با صاحب نظران حقوق با الهام از روش تجربی مقالی تحت این عنوان گردآمده که امید است مفید فایده قرار گیرد.

سیاست جنایی

بی تردید هر نظام حقوقی برای جرم انگاری، اعمال مجازات، ترتیبات رسیدگی و سایر امور مرتبط از یک سری راهبرد های کلی تبعیت می کند. در همین راستا، دانشمندان علوم کیفری از دو اصطلاح سیاست جنایی و سیاست کیفری استفاده می کنند؛ در وهله اول ممکن است این دو عبارت مشابه به نظر برسند اما در حقیقت دو معنای متفاوت دارند. اصطلاح سیاست کیفری، ناظر بر معنای مضیق سیاست جنایی است. سیاست جنایی در مفهوم مضیق خود همانطور که فوئر باخ دانشمند آلمانی تعریف می کند، به معنای مجموعه شیوه های سرکوب گرانه ای است که دولت با استفاده از آنها علیه جرم (بزه کیفری) واکنش نشان می دهد (نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین، درآمدی بر سیاست جنایی، ص ۱۱، ۱۴۰۱). اما در معنای موسع، سیاست جنایی همانطور که قاضی آنسل بیان می کند، نخست افزون بر جرم که یک مفهوم حقوقی است، به انحراف (کژروی) که یک مفهوم جامعه شناختی است نیز می پردازد؛ دوم، علاوه بر مجازات بزهکاری، به پیشگیری از آن توجه دارد؛ سوم، افزون بر اقدام های نظام کیفری، بر تدبیر های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و... و بر همه آنچه تکیه می کند که در بهداشت و پیشگیری اجتماعی از بزهکاری مؤثر است (همان، ص ۱۵).

آنچه مقصود نگارندگان است، ناظر بر معنای مضیق سیاست جنایی (سیاست کیفری) می باشد؛ زیرا به نظر می رسد در معنای موسع به مبانی جرم شناسانه رفتار های مجرمانه و ساز و کارهای پیشگیرانه نیز توجه می شود؛ حال آنکه این موارد خود مجال دیگری می طلبند و جزء اهداف فعلی نگارندگان در این مقال نمی باشند .

ضرورت سیاست کیفری افتراقی

پس از ارائه تعریفی از سیاست کیفری و سیاست جنایی، اکنون جای طرح این پرسش است که آیا وحدت و برابری سیاست کیفری یک کشور در خصوص کلیه جرایم و در همه شرایط و زمان ها لزوماً منجر به عدالت شده و التهاب حاصل از حدوث پدیده مجرمانه را بهبود می بخشد؟ به عبارت دیگر آیا برابری همیشه به معنای عدالت بوده و اگر بگوییم در همه شرایط کلیه ضوابط بالسویه رعایت شوند، آیا راهبردی هوشمندانه اتخاذ شده است؟

آقای ماریو زاگاری، وزیر وقت دادگستری ایتالیا با همکاری موسسه تحقیقات دفاع اجتماعی سازمان ملل همایشی با عنوان "مطالعه مسائل و دورنماهای راهبرد افتراقی در قلمرو در قلمرو سیاست جنایی" را در فوریه ۱۹۷۴ در شهر رم برگزار نمود. جمع بندی عمده نشست های این همایش بین المللی این بود که عصر برخورد یکسان با انواع جرایم به سر آمده و با متنوع شدن جرایم، بزهکاران و بزه دیدگان، از نظر گونه شناسی، باید متنوع کردن راهبرد ها و پاسخ های حقوق کیفری و به طور کلی سیاست جنایی را نیز بررسی کرد (همان، ص ۵۴)

افتراقی شدن یا افتراقی سازی سیاست جنایی حکایت از متحول و متنوع تر شدن جوامع بشری از نظر علمی، فرهنگی و اقتصادی دارد که به نوبه خود موجب تنوع جرایم، مرتکبان و موقعیت ها یا وضعیت های پیش جنایی، آماج ها و قربانیان جرایم شده است (همان، ص ۵۹). لذا به نظر می رسد با تحولات جوامع بشری در دو قرن اخیر و ظهور وضعیت هایی که شاید در جوامع نخستین و ابتدایی یا در طول تاریخ سابقه ای نداشته و اندیشه حاکمان و قانونگذاران جامعه نیز راهی به سوی آن نداشت، رسیدگی ها و راهبرد های پاسخگویی و سزادهی به جرایم نیز باید تغییر یابند .

از آنجایی که باید غایت حقوق را عدالت بدانیم، (ره پیک، دکتر حسن، مقدمه علم حقوق، ص ۱۳۹۸، ۴۹) اقتضای عدالت این است که حقوق خود را با موقعیت های مختلف سازگار کند؛ پس نمیتوان اقتضای عدالت را برابری در شیوه رسیدگی و سزادهی در تمام شرایط و موقعیت ها دانست؛ چرا که عدالت اقتضا می کند که حقوق کیفری در اصول، رویکرد و پاسخ های خود، بر پایه تحولات همه جوانب اجتماعی، علمی و حقوق بشری بازنگری کند و بسیاری از آنها را در پرتو متنوع شدن جرایم، مجازاتها و مجرمان بازتعریف نماید (همان، ص ۵۵). البته از آنجایی که هدف این نوشتار حول سیاست کیفری می چرخد تا سیاست جنایی، نگارندگان نیز افتراقی سازی را ناظر بر سیاست کیفری دنبال می کنند و بحث درباره افتراقی سازی سیاست جنایی مجالی دیگر می طلبد. بنابر این سیاست کیفری افتراقی به معنای اتخاذ شیوه های متفاوت رسیدگی و سزادهی و واکنش به پدیده مجرمانه و ارتکاب آن می باشد که ثابت شد ضرورتی است برای تحقق عدالت کیفری.

سیاست کیفری افتراقی ناظر بر زمان جنگ گرم

پس از توضیحاتی که پیرامون مفهوم سیاست کیفری افتراقی داده شد، حال نوبت این است که بگوییم اصولاً سیاست کیفری ناظر بر زمان جنگ گرم به چه معناست؟ ابتدا باید به توضیح واژه جنگ پردازیم؛ زیرا خود واژه جنگ، تمیز اقسام مختلف آن و سرانجام بیان مفهوم جنگ گرم، خود بحثی تخصصی و امری خطیر است که باید روشن شود، سیاست کیفری متخذ برای کدام نوع جنگ است و چگونه می توان آن را تشخیص داد.

مفهوم جنگ نظامی

جنگ در لغت به معنای ستیز و جدال و به ترادف مفاهیم منازعه، مواجهه و ناورد بوده و در اصطلاح به درگیری فیزیکی توأم با خصومت و دشمنی بین دو یا چند نفر گفته میشود. لیکن در گستره مفاهیم علوم نظامی و جنگی از جنگ نظامی میتوان به مفهوم درگیری شدید مسلحانه میان دولتها، حکومتها، جوامع و یا گروههای شبه نظامی از قبیل شورشیان، مزدوران و شبه نظامیان نام برد.

جنگ به هر جهت امری غیرقابل پیش بینی است؛ لذا کلیه قواعد حقوق بشری و ذات اقدس الهی و همچنین قواعد و احکام متشرع و مقدس دین تعالی اسلام، همواره توصیه به صلح، دوستی و سازش داشته و از توسل به جنگ فقط در شرایط اضطراری یاد می کنند.

در ابعاد تعاریف حقوق بین الملل، جنگ درگیری مسلحانه میان کشورهاست که با اعلان صریح آن از سوی حداقل یکی از طرفین درگیر و با هدف دستیابی به منافع و مصالح ملی صورت می گیرد؛ بر اساس این تعریف، درگیری های داخلی در یک کشور، جنگ به مفهوم حقوقی آن به شمار نمی رود، مگر آنکه یک کشور ثالث این محاصمه را به عنوان جنگ به رسمیت بشناسد.

این نوع از ستیز، همواره بر انواع و گونه های متداولی استوار است؛ فی المثل در مفاهیم علوم جنگی، امروز می توان، از جنگ های نرم، سرد، گرم، رسانه ای، مطبوعاتی، بیولوژیک، سایبری و... به مثابه انواع قسم جنگ نام برد؛ که البته نوع رایج و مورد اشاره بدان در این مقال، همان جنگ نظامی یا جنگ گرم (hot war) به مفهوم درگیری مستقیم نظامی بین دو یا چند کشور است؛ که در چگونگی آن میتوان استفاده از نیروهای نظامی زمینی، دریایی و یا هوایی علیه سرزمین، جمعیت، مقامات و منافع ملت و کشور دیگر را نام برد. جنگ های جهانی اول و دوم، جنگ ایران و عراق، جنگ ویتنام و جنگ کره از نمونه های بارز این نوع ستیز هستند.

مفهوم شرایط جنگی

همانطور که سابق بر این گفته شد، بی تردید هیچ ملت و سرزمینی از جنگ و شرایط جنگی مصون و مستثناء نیست. بلکه با مذاقه بر تاریخ همواره در می یابیم که ستیز، درگیری و لشکرکشی بین قبایل، کشور و حکومتها به هر دلایلی از صدر تاریخ تا به الان امری محرز و معلوم و به اصطلاح همیشه جاری بوده است. شرایط یا وضعیت جنگی، به تابعیت از جنگ، منتجی از اوضاع اضطراری است که در آن وضعیت جامعه از حیث مواردی چون آموزشی، اقتصادی، سیاسی، قضایی و امنیتی در شرایط فوق العاده قرار می گیرد؛ البته این مهم همواره بر ویژگی هایی استوار بوده که بدون وجود آنها نمی توان چنین شرایطی را متصور دانست. این ویژگی ها عبارت اند از:

۱. تهاجم گسترده، به نوعی که مراکز، شهرها، جمعیت، سرزمین و منافع امنیتی کشوری به خطر افتد.
۲. استمرار تهاجم، به نوعی که قصد متجاوزین بر وجود نیت خصمانه علیه سرزمین دیگری به نحو کلی هویدا شود.
۳. استفاده از آلات و جنگ افزارها

با این وجود، طبق ویژگی های نامبرده، بایست چنین استنباط نمود که درگیری های مرزی یا صرف تهاجم به یک شهر کوچک مرزی آنهم برای یکبار یا اعمال تروریستی توسط گروهک های جنایتکار از قبیل بمب گذاری یا

گروگان گیری، نمی تواند باعث وقوع شرایط فوق العاده جنگی گردد؛ بلکه به هر جهت، جسارت و تجاوز علیه منافع و سرزمین کشور دیگر، می بایست علی الاصول، گسترده و مستمر بوده تا موجب استقرار این شرایط خطر و فوق العاده گردد. فی المثال تجاوز رژیم بعث عراق به خاک مقدس ایران عزیزمان در طول ۸ سال دفاع مقدس، مصداق و نمونه ای بارز از وضعیت و شرایط جنگی است.

سیاست کیفری افتراقی زمان جنگ

با توجه به آنچه در زمینه وضعیت جنگی بیان شد، باید گفت سیاست کیفری افتراقی ویژه زمان جنگ، عبارت است از مجموعه شیوه های سزادهی و مقابله دولت (به معنای عام) با جرایم مرتبط با جنگ در وضعیت جنگی با در نظر گرفتن شرایط خطر آن زمان. بدیهی است مراد نگارندگان، معنای مضیق سیاست جنایی می باشد که از آن به سیاست کیفری تعبیر شد؛ وانگهی همانگونه که پیش تر بیان گردید، مانعی ندارد و البته ضرورت دارد ناظر به وضعیت جنگی به مباحثی همانند پیشگیری از جرایم خاص زمان جنگ نیز پرداخته شود تا یک جمع بندی مناسب و کاربردی درباره سیاست جنایی (به معنای موسع آن) افتراقی ویژه زمان جنگ ارائه گردد؛ امری که مجال دیگری می طلبد که فعلا هدف نگارندگان نیست .

اما آنچه درباره ضرورت افتراقی سازی سیاست کیفری عنوان شد، در اینجا نیز صادق است و البته نیاز چندانی به بحث مفصل ندارد؛ زیرا قبح برخی از کژروی ها در شرایط جنگی به مراتب بیشتر از همان رفتار مشابه در شرایط عادی است. اگر جاسوسی در شرایط عادی از نظر اجتماع ناپسند و درخور سرزنش است، در شرایط جنگی چنین رفتاری به مراتب قبح بیشتری دارد، چرا که نتایج زیانبار بیشتری را سبب خواهد شد و بیش از شرایط عادی به ضرر اجتماع و خلاف مصالح آن است. لذا هیچ منطق سلیمی نمی تواند پاسخ برابر به این رفتار که در دو وضعیت متفاوت ایجاد شده و مسبب آثار متفاوتی می شود را عادلانه بداند. از جهت کیفیت رسیدگی به این دست از رفتارها نیز، بدلیل شدت التهاب ایجاد شده در نتیجه آن رفتار مجرمانه، جامعه حساسیت بیشتری در جهت روشن شدن تکلیف مجرمین دارد و این نیازمند رسیدگی دقیق و سریع است و قانون نمی تواند به این خواست اجتماعی بی تفاوت باشد.

سیاست کیفری افتراقی ویژه زمان جنگ گرم در حقوق داخلی

با بررسی ضرورت افتراقی سازی سیاست جنایی (به هر دو معنای مضیق و موسع) در هر نظام حقوقی، و ایضا ضرورت آن در شرایط جنگی، اینک نوبت به این می رسد که نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران اولاً چه ظرفیتی در این راستا دارد؟ ثانیاً این مهم تا چه میزان در قوانین موضوعه مملکتی مورد پذیرش قرار گرفته است؟ پاسخ به پرسش نخست را باید در فقه امامیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یافت. به عبارت دیگر، وقتی از ظرفیت قانونی

صحبت می شود، به این معناست که افتراقی سازی سیاست کیفری در نظام حقوقی ما تا چه میزان وجاهت و مشروعیت قانونی و شرعی دارد؟

در خصوص بحث شرعی با توجه نظام فقهی شیعه منعی به نظر نمی رسد. اگر در حقوق شکلی است، آیین دادرسی به معنای نوین آن در فقه وجود نداشته و کلیه مباحث فقهی عظام در این زمینه، در قالب کتاب القضاء و کتاب الشهادات متمرکز شده است. از طرفی ناظر به حقوق ماهوی نیز قواعد خاص حدود و تعزیرات حکومت دارد. درباره بحث افساد فی الارض که از حدود می باشد، باید به تعریف افساد فی الارض رجوع نمود که در این زمینه دست حکومت خیلی باز نمی باشد و صرفا باید عمل ارتكابی در ترازوی این جرم حدی نهاده شود که البته با توجه به برداشت ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی از مباحث فقهی افساد فی الارض اگر عمل ارتكابی گستردگی لازم را در رفتار مادی و نتیجه داشته باشد منعی برای اعمال مجازات به نظر نمی رسد. درباره تعزیرات با توجه به قواعدی همچون التعزیر بما یراه الحاکم و التعزیر لکل عمل محرم دست حاکم اسلامی تا حدود زیادی در اعمال تعزیرات باز است. برای نمونه یکی از اساتید فقه و حقوق اسلامی در ذیل قاعده التعزیر لکل عمل محرم می نویسد: اما در مقابل اعمال حرام - با اقسامی که دارد - اعمال دیگری هستند که شرعا نهی مشخصی درباره آنها وارد نشده است؛ ولی ممکن است ارتکاب آنها از سوی مردم، مفسد و پیامد های سوئی در جامعه داشته باشد که حکومت ناچار است به منظور حفظ نظم اجتماعی و حقوق عامه و مصالح عمومی، از ارتکاب آنها جلوگیری کند. این دسته از اعمال گرچه از نظر شرعی هیچ نهی و ممنوعیت صریحی ندارند، ولی نظام اسلامی به منظور صیانت اجتماع می تواند آنها را ممنوع کرده، برای مرتکبین آنها مجازات معین نماید. این نوع اعمال بر حسب زمان و مکان، ممکن است تغییر کنند؛ حتی زمانی مجازاتی داشته باشد و برهه ای دیگر، مجازات آن برداشته شود. نویسنده در ادامه بیان می کند: آیا حکومت اسلامی می تواند نسبت به دو نوع اعمال، اظهار نظر نماید؟ نخست، اعمالی که در شرع حرام بوده، ولی برای آن مجازاتی پیش بینی نشده است. دوم، اعمالی که در شرع ممنوع و حرام اعلام نشده، ولی به جهاتی برای اجتماع و جامعه اسلامی مفسده به همراه دارد. به عبارت دیگر، آیا حکومت می تواند این دو نوع عمل را جرم اعلام نموده و برای مرتکبین آنها مجازات مقرر دارد؟ در این خصوص می توان گفت که شریعت اسلام برای حفظ نظام اهتمام زیادی قائل است و هر آنچه را که موجب نزاع، مخاصمه، هتک اعراض و آبرو و ریختن خون انسان های بیگناه می شود، ممنوع اعلام می دارد؛ چرا که در برابر این امر مهم وظیفه سنگینی برعهده دارد. از این رو، با توجه به اینکه اجرای حدود و تعزیرات در موارد منصوصه برای این مقصود کفایت نمی کند، باید این اختیار برای حکومت اسلامی وجود داشته باشد که هر عملی را که مفسده و پیامد سوء داشته باشد، به درجه ای که امنیت اجتماعی و حقوق عامه و مصالح جامعه را به خطر بیندازد و موجب تجری مردم بر ارتکاب معاصی شود، ممنوع اعلام نموده و برای ارتکاب آن مجازات خاصی مقرر نماید.

اگر چنین اختیاری به حکومت اسلامی اعطا نشود، تحقیقا از هدف و مقصود اصلی باز داشته می شود؛ چرا که نقض غرض اصلی که فلسفه حکومت اسلامی است به وجود خواهد آمد که در نتیجه، اعتبار نظام از دید مردم ساقط خواهد شد (محقق داماد، دکتر سید مصطفی، قواعد فقه ۴ بخش جزایی، ص ۲۵۴ و ۲۵۵، ۱۴۰۱). بنابراین دیدگاه، حکومت اسلامی می تواند در هر زمان و مکانی که صلاح بداند، رفتارهایی که خلاف نظم و مصلحت جامعه اسلامی می باشد را اگرچه به لحاظ احکام اولیه شرعی دارای حرمت نباشند، جرم انگاری نموده و تعزیر مناسبی را اعمال نماید؛ به عبارت دیگر، حتی ممکن است در زمان خاصی (مانند زمان جنگ در این تحقیق) رفتاری خلاف مصالح عمومی باشد اما در زمان های دیگر چنین نباشد. به نظر می رسد درباره تشدید مجازات نیز همین راه حل قابل اعمال باشد؛ زیرا هنگامی که می توان درباره عملی که در زمان عادی جرم نیست، چنین حکمی را اعلام کرد، به طریق اولی درباره عملی که ذاتا جرم انگاری شده نیز می توان در زمان های خاص اعمال تشدید نمود، خواه آن عمل ذاتا حرام باشد خواه نباشد و از باب مصلحت در زمان های عادی نیز جرم انگاری شده باشد.

بنابراین من باب افتراقی سازی سیاست کیفری در شرایط جنگی در فقه امامیه منع خاصی به نظر نمی رسد.

درباره قانون اساسی نیز با مشاهده اصول آن منع خاصی درباره افتراقی سازی سیاست کیفری در وضعیت جنگی به نظر نمی رسد. یعنی ایجاد دادگاه های اختصاصی و یا پیش بینی قوانین ویژه ای که بخواهد در چارچوب شرع، تشدید مجازاتی را اعمال کرده و یا کیفیت خاصی را در رسیدگی اعمال نماید، در قانون اساسی منع نشده است و با توجه به اصول ۹۱، ۹۴ و ۹۶ ق.ا. صرف عدم مغایرت با این قانون کفایت کرده و همانطور که گفته شد، منعی وجود ندارد.

اما مطلب مهمی وجود دارد که باید مورد مذاقه قرار گیرد. درباره مفهوم شرایط جنگی نکته مهمی تذکر داده شد و آن اینکه زمانی گفته می شود شرایط جنگی به وجود آمده که نوعی گستردگی و استمرار در تهاجم نظامی علیه کشور حاکم گردد و هر نوع مناقشه مرزی یا اعمال تروریستی را نمی توان به معنای شرایط جنگی دانست؛ وانگهی به موجب بند ۵ اصل ۱۱۰ ق.ا. اعلام جنگ از اختیارات انحصاری مقام رهبری است. با توضیحاتی که در مفهوم سیاست کیفری افتراقی ویژه زمان جنگ گرم گفته شد، مشخص می شود که اگر این گستردگی و استمرار وجود نداشته باشد، این مفهوم سیاست کیفری سالبه به انتفاع موضوع خواهد بود؛ بعلاوه مستنبط از بند ۵ اصل ۱۱۰ ق.ا. زمانی اعمال این سیاست از سوی نظام قضایی مشروعیت دارد که توسط رهبری اعلام وضعیت جنگی شود که البته اعلام جنگ و وضعیت جنگی معنای سیاسی و نظامی ویژه خود را داشته، آثار ویژه ای نیز دارد و شرایط خطیری را بر کشور و روابط با دولت متخاصم حاکم می سازد؛ لذا علی القاعده اعلام این وضعیت با در نظر گرفتن تمام مصالح و منافع ملی خواهد بود.

اما نمی توان ادعا نمود، ضرورت هایی که در شرایط جنگی منجر به افتراقی سازی سیاست کیفری می گردد، لزوما در زمانی که گستردگی و استمرار لازم در تعرض نظامی به وجود نیامده یا مقام رهبری اعلام جنگ ننموده صدق نمی کند و همانطور که گفته شد، مقام رهبری در اعلام وضعیت جنگی، مصالحی فراتر و بالاتر از رسیدگی های قضایی را در نظر می گیرد. بنابراین باید به دنبال راه حلی گشت که با این مهم منافات نداشته و منجر به وضعیت خطیر ناشی از اعلام جنگ نگردد .

لذا به نظر می رسد که ایجاد دادگاه ویژه و مبادرت به رسیدگی افتراقی می تواند با تصویب رئیس قوه قضائیه اتفاق بیفتد. اما بلافاصله این پرسش ایجاد می شود که آیا اعمال رسیدگی افتراقی به معنای اعلام وضعیت جنگی نبوده و با بند ۵ اصل ۱۱۰ ق.ا. منافات ندارد؟ به عبارت دیگر این اختیار در انحصار مقام رهبری است و هیچ شخص دیگری حق قانونی اعلام وضعیت جنگی ندارد. پس چه باید کرد که تردیدها در این زمینه برطرف گردد؟

به چند صورت می توان به این پرسش پاسخ داد :

۱. اعمال رسیدگی افتراقی صرفاً پس از اعلام جنگ از سوی مقام رهبری صورت گیرد. ایراد این راه حل در سطور فوق مورد بحث قرار گرفت .

۲. اعمال رسیدگی افتراقی در صورتی که هنوز اعلام جنگ نشده است، منوط به استیذان از مقام رهبری باشد. راه حلی که مطابق ذیل اصل ۱۱۰ است که می گوید: رهبر می تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند. لذا اگر اعمال رسیدگی افتراقی از سوی رئیس قوه قضائیه پیش از اعلام جنگ خلاف بند ۵ باشد، با حکم ذیل اصل مذکور، این ایراد مرتفع می گردد .

۳. اعمال رسیدگی افتراقی در صورتی که اعلام جنگ نشده است، به معنای اعلام جنگ نیست؛ بلکه اختیاری است که می تواند به موجب قانون برای رئیس قوه قضائیه ایجاد شده و منع صریحی در ق.ا. در این خصوص وجود ندارد. باید انصاف داد که حقیقتاً اعمال رسیدگی افتراقی به معنای اعلام جنگ نیست که ایراد بند ۵ گرفته شود و میزان وارد بودن این ایراد محل تأمل است؛ وانگهی اصولاً قانون برای عرف نوشته می شود و عرف چنین برداشتی از قانون ندارد و این دقتی است که شاید تنها به ذهن یک حقوقدان برسد! بنابراین مشروع دانستن این حق و پیش بینی آن در قانون موضوعه خالی از وجه نیست .

اما نمی توان کتمان نمود که مطمئن ترین راه، راه حل دوم و استیذان از مقام رهبری است که به تمام شبهات پایان دهد.

اعلام جنگ و صلح در حقوق ایران

نظام جمهوری اسلامی ایران، همواره بر پایه عدل الهی و دستورات قرآن و اهل بیت علیهم السلام، بر مبنای رعایت کلیه قواعد حقوق بشری و احترام به آزادی های مشروع و جان و مال انسانها و صلح طلبی نهانیده شده و از هرگونه تنش و مخاصمه دوری می ورزد. لذا این مفهوم همانطور که پیش تر گفته شد به معنای آن است که قوای نظامی ایران به فرماندهی مقام معظم رهبری، از پاسخ لازم و مقتضی پیرامون هر نوع تجاوز و تهاجم به خاک و سرزمین کشور، درنگ نخواهد کرد و همواره هیچ نوع مراودتی در این خصوص نمی پذیرد. البته در این بیان، می بایست بین دو مقوله دفاع و جنگ تفاوت قائل شد. در طول تاریخ نظام مقدس جمهوری اسلامی، سیاست این نظام همواره بر پرهیز از تهاجم علیه سایر ممالک بوده است، اما این مهم به معنای دفاع سازنده نظامی در برابر متجاوزین نیست، بلکه طبق کلیه قواعد بین المللی من جمله منشور حقوق بین الملل، حق قانونی بر آنست که با پاسخ نظامی، دفاع متقابلی در برابر متجاوزین صورت گیرد؛ به مثابه همان نوعی که در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ توسط رژیم بعث عراق تجاوز و تهاجم به خاک و جان مردم عزیز ایران صورت گرفت و نظام جمهوری اسلامی در طول ۸ سال جنگ تحمیلی به دفاع مقدس به پا خواست. پس نتیجتاً می باید چنین مقتبس نمود که هر حرکت نظامی توسط دولت ایران، به معنا و مفهوم جنگ نیست، بلکه به تعبیر آنست که علیه متجاوزین دفاع و پاسخی مقتضی و لازم صورت گیرد که این مهم در اتفاق آرای مجامع بین الملل مورد وثوق است. اما جنگ تعبیری متفاوت از دفاع دارد، در این مفهوم، بهتر است به همان معنای جهاد که از فروعات دین مبارک اسلام هست نگریسته شود. اگر جهاد بر نوع دفاع از هجوم و تجاوز بیگانگان در تسلط بر ممالک، جان و مال مسلمین و سرزمینهای اسلامی باشد، جهاد دفاعی و اگر به معنای پیکار و جنگ با کفار و مشرکین به منظور دعوت آنان به اسلام و توحید باشد، جهاد ابتدایی نامیده میشود.

نظام حقوقی ایران، بر طبق اصول ولایت امر مسلمین، در اصل ۱۱۰ ق.۱ اعلام جنگ و صلح را از اختیارات مقام معظم رهبری میداند، که البته طی تعاریفی که از مفاهیم جنگ، شرایط جنگی و تمایز بین وجه جنگ و دفاع شد، بنظر می رسد مقصود مقنن از واژه اعلام جنگ در بند ۵ اصل ۱۱۰ ق.۱ همان جهاد ابتدایی بوده و جهاد دفاعی فارغ از معنا و مفهوم جنگ در اصل نامبرده باشد؛ به همین نتیجه نیز قاعده صلح نیز در همان تعریف جهاد ابتدایی گنجانیده میشود که در خور تعریف جهاد دفاعی نیست.

جرایم خاص ویژه زمان جنگ

بی تردید ارتکاب هر جرمی ولو جرایم غیرمرتبط با وضعیت جنگی، در دوران جنگ نظامی به دور از ذهن نیست؛ اما همواره برخی از این جرایم در این شرایط بخصوص از اهمیت بسزای بیشتری در نوع مجازات، دادرسی، کشف جرم و تحقیق و تعقیب برخوردارند، کما اینکه ممکن است برخورد قضایی با ارتکاب این دست جرایم در دوره قبل از جنگ نظامی به مصاف سایر جرایم غیرمرتبط دیگر باشد. لیکن در این مقال، مقصود از جرایم ویژه و خاص زمان

جنگ، همچون کنش های کیفری است که با توجه به وجود و اعمال شرایط جنگ نظامی، تضرری علیه منافع و مادیات مسلم کشور و جامعه وارد می سازد و همواره درصدد اینست که با توجه به شرایط موجود، رفتارهایی از قبیل مشارکت و معاونت در جنایت جنگی، سوءاستفاده از وضعیت، غارت و تخریب، تروریسم، تشویش اذهان عمومی و... را به کرسی ظهور برساند. بنابراین، سیاست کیفری حقوق ایران مقتضی میداند که برخورد قضایی و قاطعانه با این دست از جرایم بصورت فوق العاده و در شعب تخصصی ویژه زمان جنگ و با رویکرد تشدید مجازات صورت گیرد. فی المثل در ماده ۵۰۹ ق.م.ا.بخش تعزیرات چنان اشاره شده که هر کس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم می گردد؛ این رویکرد مقنن به درستی اهمیت رسیدگی افتراقی و سیاست جنایی و کیفری حقوق ایران پیرامون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور را نمایان می سازد. همچنین در باب جرایم علیه امنیت ملی که تمامیت امنیتی کشور از جهات داخلی و یا خارجی مورد تعرض قرار می گیرد، شرایط و زمان جنگ گرم، بیش از پیش، این دست از جرایم را دچار تحول خواهد ساخت، چرا که بی شک، جاسوسان، خائنین و عناصر دشمن، همواره با دسیسه های گوناگون درصدد این هستند که منافع داخلی و خارجی کشور، طی مقاصد شوم و جرایم، دچار تعرض و تحول شود. لذا مذاقه در مواد و جرایم ابتدایی کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و قوانین خاص این نوع موضوعات، بلاشک مورد توصیه در باب جرایم خاص زمان جنگ است. در این بین برای درک موضوع جرایم خاص زمان جنگ از باب تمثیل به چندی از این جرایم اشاره می شود:

1. محاربه و افساد فی الارض، 2. تشویش اذهان عمومی، 3. احتکار کالا 4. تبلیغ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی
5. همکاری با دول متخاصم 6. تحریک به شورش، عصیان، غارت و کشتار 7. جاسوسی به نفع دشمن 8. تروریسم
9. نشر اکاذیب

د/د رسی زمان جنگ

پس وقوع پدیده مجرمانه، بی تردید نوبت به فرآیند عدالت کیفری میرسد. در این بین سیاست دادرسی کیفری حقوق ایران، چنان مقتضی میداند که رسیدگی به کلیه جرایم در زمان و شرایط جنگ نظامی به نحو متفاوت فارغ از قواعد شرایط عادی باشد؛ بدین منظور، قواعد و دستورات فوق العاده ای بر جریان کل فرایند کیفری جرایم هموار می گردد. لیکن برای درک مفهوم این قسمت، بهتر است بین جرایم مرتبط با جنگ در شرایط جنگی و جرایم غیر مرتبط با جنگ در این وضعیت و شرایط فوق العاده، تفکیک قائل شد.

۱. **جرایم غیر مرتبط با جنگ در شرایط جنگی:** اصولاً دادرسی کیفری در این شرایط، با اطاله دادرسی شدید، قرار وثایق با مبالغ سنگین، تحقیقات مقدماتی طویل المدت و... مواجه نیست؛ لذا دادرسان محترم قضایی، با مساعی و

صرف زمان فراوان و خارج از وقت، همواره سعی بر آن اند که هر چه سریعتر، رسیدگی به جرایم و مجازاتها، به سرانجام رسد. در فرایند عدالت کیفری، از وضعیت مطروحه، تحت عنوان دادرسی فوق العاده یاد می کنند.

۲. جرایم مرتبط با جنگ در شرایط جنگی: در طول شرایط جنگی بنا به موقعیت پیش آمده، همواره یک دست از جرایم مرتبط با جنگ به وقوع پیوسته که بسیط جامعه را متزلزل میسازد. لذا همانطور که پیش تر گفته شد، جرایم ویژه زمان جنگ با قصد قبلی علیه منافع عمومی داخلی و خارجی تضرر بیشتری نسبت به سایر جرایم غیرمرتبط وارد خواهد ساخت، بنابر این سیاست دادرسی کیفری حقوق ایران همواره مبتنی بر آن بوده که شعبه ای از محاکم عمومی تحت عنوان موضوع جرایم، بصورت انحصاری و اختصاصی، خارج از نوبت و فوق العاده با دقت نظر کافی و تفصیل در دعاوی به کشف، تعقیب، تحقیق و صدور مجازات بانیان این دست از جرایم پردازد. فلذا مورد مطروحه بنا به تشخیص ریاست محترم دستگاه قضا در تخصیص دادرهای تخصصی وفق ماده ۲۵ ق.ا.د.ک و شعب محاکم تخصصی مطابق با ماده ۵۶۶ همان قانون یا تشکیل دادگاه های زمان جنگ به دور از تصور در دادرسی کیفری افتراقی در زمان و شرایط جنگ نظامی نیست.

واکاوی طرح اولیه تشدید مجازات جاسوسی و همکاری کنندگان با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی

در ادامه بررسی قوانین داخلی در زمینه سیاست کیفری افتراقی، نگاهی به جدیدترین مصوبه مجلس در این زمینه سودمند و البته ضروری است. پس از آغاز تعرض رژیم اشغالگر قدس به حریم جمهوری اسلامی ایران و آغاز جنگ دوازده روزه در بامداد روز ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، ضرورت مجازات شدید هر نوع همکاری با این رژیم جنایتکار، احساس شد و در راستای همین نیاز در تاریخ دوم تیر ماه ۱۴۰۴ "طرح تشدید مجازات جاسوسی و همکاری کنندگان با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی" در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. این طرح مزایا و معایب قابل ملاحظه ای دارد که به نظر خواننده محترم می رسد:

نخستین مزیتی که می توان برای این طرح نام برد، نفس احساس نیاز داشتن یک قانون قاطع برای برخورد با کسانی است که در وضعیت جنگی از طریق جاسوسی و هر نوع ارتباط با رژیم صهیونی و سایر دول متخاصم بر علیه امنیت ملی اقدام می کنند. به عبارت دیگر کسانی که با یک دولت یا رژیم متخاصم همکاری بر علیه امنیت ملی می کند و مرتکب اقداماتی همانند جاسوسی می شوند، بیش از همکاری کنندگان غیرمشروع با سایر دول و یا جاسوسانی که در غیر شرایط جنگی اقدام می کنند شایسته مجازات هستند و البته باید مجازات شدیدتری را متحمل شوند. این مهم گامی است در راستای نیل به سیاست کیفری افتراقی ویژه زمان جنگ که در ابتدای این نوشتار ضرورت و اهمیت آن مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت .

با تأملی بر روح حاکم بر این طرح، فلسفه وضع آن و از همه مهمتر فضای حاکم بر کشور در زمان تصویب آن، حاکی از این مطلب است که مجلس توجهی به شدت رفتارهای ارتكابی در وضعیت جنگی داشته است. مزیت دیگری که این طرح دارد این است که مجلس صرفاً به وضع قواعد ماهوی بسنده نکرده، بلکه به ترتیب رسیدگی به رفتارهای موضوع این ماده نیز پرداخته و در ماده ۸ این مصوبه ترتیب رسیدگی را پیش بینی نموده است. اما علیرغم دو مزیت عمده ای که برای این طرح احصا شد، انتقاداتی نیز به آن وارد بوده و یکی از مهمترین آنها، عدم جامعیت اقدام مجلس است. نگارندگان در مزیت نخست این طرح، حرکت در راستای تحقق بیش از پیش سیاست کیفری افتراقی ویژه زمان جنگ را عنوان کردند؛ در پرتو همین مطلب، ایراد عدم جامعیت پدیدار می گردد. بدین مقاله که چرا مجلس فقط به بحث جاسوسی و همکاری های مانند آن با دول متخاصم نظر داشته و برای احصای کلیه جرایم ویژه شرایط جنگی اقدام نکرده است؟ وقتی صحبت از جرایم ویژه شرایط جنگی می گردد، منظور کلیه جرایمی است که در شرایط جنگی قبح بیشتری داشته و خسارت بیشتری را به امنیت ملی وارد می کنند. برای نمونه آیا قبح اختلاس در شرایط عادی و جنگی برابر است؟ قطعاً اینگونه نیست؛ اما در این طرح صحبتی از اختلاس و یا سایر جرایم اقتصادی نشده است و تنها در ماده ۲ اشاره خیلی مختصری به عمل آمده است. اما برای بررسی دقیق تر و شناخت بهتر مزایا و معایب این طرح باید به بررسی مواد آن پرداخت.

ماده ۱- هرگونه فعالیت اطلاعاتی و جاسوسی و اقدام عملیاتی برای رژیم صهیونیستی یا دولت های متخاصم از جمله دولت ایالات متحده آمریکا یا سایر رژیم ها و گروه های متخاصم یا برای هر یک از عوامل وابسته به آنها برخلاف امنیت کشور یا منافع ملی، افساد فی الارض محسوب شده و مشمول مجازات مندرج در صدر ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب یک اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ است.

ماده ۲- مرتکبین هرگونه اقدام امنیتی، نظامی، اقتصادی، مالی، فناورانه و یا هرگونه مساعدت مستقیم و غیرمستقیم که با علم و آگاهی در جهت تأیید، تقویت، تحکیم و یا مشروعیت بخشی به رژیم صهیونیستی صورت پذیرد، به مجازات افساد فی الارض محکوم و مشمول مجازات مندرج در صدر ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی خواهند شد.

ماده ۳- هرگونه همکاری و مساعدت با علم و آگاهی در انجام موارد زیر به قصد همکاری با رژیم صهیونیستی و دول متخاصم یا سایر رژیم ها و گروه های متخاصم مشمول مجازات افساد فی الارض مندرج در صدر ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی است.

الف- ساخت، متصل کردن قطعات (مونتاژ)، تأمین، انتقال، هر نوع معامله، حمل، نگهداری، وارد نمودن به کشور، بکارگیری و یا هرگونه بهره برداری از هرگونه سلاح گرم، سرد، شیمیایی، میکروبی، هسته ای یا غیرمعارف اعم از سنتی و نوین به هر نحو که قابلیت کشتار، تخریب یا ایجاد رعب و وحشت داشته باشد یا اجزاء و قطعات آنها.

ب- ساخت، متصل کردن قطعات (مونتاز)، تأمین، انتقال، هر نوع معامله، حمل، نگهداری، وارد نمودن به کشور، بکارگیری و یا هر گونه بهره برداری از ریزپرنده‌ها (پهپادهای کوچک)، پهپادها یا ربات‌های هوشمند یا اجزاء و قطعات آن‌ها با کاربری نظامی، جاسوسی، تخریبی، ترور یا اخلاف گرانه در سامانه‌های حیاتی و زیرساخت‌های کشور.

پ- هر گونه اقدام به جنگ رایانیکی (سایبری)، حملات رایانیکی (سایبری)، اخلاف در شبکه‌های ارتباطی، سامانه‌های اطلاعاتی یا زیرساخت‌های حیاتی کشور و خرابکاری در تأسیسات یا اماکن عمومی یا خصوصی یا هر گونه کمک به چنین اقداماتی.

د- هر گونه دریافت وجه یا مال نظیر ملک، خودرو، طلا، ارز و هر نوع دارای رمزنگاری شده از جاسوسان یا وابستگان به سرویس‌های اطلاعاتی با علم به وابستگی آن‌ها صرف نظر از اینکه دریافت کننده اقدام مؤثری انجام داده یا نداده باشد.

ماده ۴- هر گونه اقدام یا همکاری در انجام فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، رسانه‌ای و تبلیغی، ایجاد و انعکاس خسارت تصنعی و یا تهیه یا انتشار اخبار کذب یا هر نوع محتوا که نوعاً موجب ایجاد رعب و وحشت عمومی، ایجاد تفرقه یا خدشه به امنیت ملی باشد، چنانچه مشمول مجازات افساد فی الارض نباشد به تشخیص دادگاه به مجازات حبس تعزیری درجه ۳ و انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی محکوم خواهد شد. همچنین ارسال فیلم و تصاویر به شبکه‌های معاند یا بیگانه که در صورت انتشار آن نوعاً موجب تضعیف روحیه عمومی، ایجاد تفرقه یا خدشه به امنیت ملی باشد، مستوجب مجازات حبس تعزیری درجه ۵ و انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی و راهپیمایی و تجمعات غیرقانونی در زمان جنگ مستوجب حبس تعزیری درجه ۴ خواهد بود.

ماده ۵- استفاده، حمل، خرید یا فروش یا وارد کردن یا در اختیار گذاشتن ابزارهای الکترونیکی ارتباطی اینترنتی فاقد مجوز از قبیل استارلینک، ممنوع و موجب حبس تعزیری درجه ۶ و ضبط تجهیزات خواهد بود. تأمین، تولید، توزیع و واردات بیش از ۱۰ عدد از ابزارهای مذکور یا انجام موارد مذکور به قصد مقابله با نظام مستوجب حبس تعزیری درجه ۴ خواهد بود.

ماده ۶- در صورتی که جرائم تعزیری موضوع این قانون در زمان جنگ یا وضعیت‌های امنیتی، نظامی به تشخیص شورای عالی امنیت ملی صورت پذیرد، مجازات مرتکب تا ۳ درجه تشدید می‌گردد. مجازات موضوع این قانون در موارد موضوع این ماده، فارغ از ماهیت کشور یا رژیم یا گروه ذی‌نفع اعم از متخاصم یا غیر متخاصم متوجه مرتکب خواهد بود.

ماده ۷- به جرائم موضوع این قانون در تمام مراحل دادرسی خارج از نوبت و در شعب ویژه دادگاه انقلاب که رئیس قوه قضائیه تعیین می کند رسیدگی می شود.

ماده ۸- مفاد استیضاح اول رئیس قوه قضائیه در خصوص رسیدگی به جرائم اقتصادی از رهبر معظم انقلاب مورخ ۲ مرداد ۱۳۹۷ در خصوص جرائم موضوع این قانون از تاریخ تصویب، لازم الاجرا است.

ماده ۹- این قانون از زمان تصویب لازم الاجرا است. مجازات های موضوع این قانون در خصوص جرائمی که قبل از تصویب این قانون شروع شده یا مقدمات آن فراهم شده باشد و مرتکبین آن یا معاونین آن ها پس از تصویب این قانون ظرف مهلت ۳ روز، خود و همکاران خود را به مقامات ذیصلاح معرفی نکنند، نیز جاری است.

در ماده ۱ این طرح هر شخصی که مرتکب هرگونه فعالیت اطلاعاتی و جاسوسی و اقدام عملیاتی برای رژیم صهیونیستی یا دولت های متخاصم از جمله ایالات متحده آمریکا برخلاف امنیت کشور یا منافع ملی شده را مفسد فی الارض حساب نموده است. درباره جاسوسی برای رژیم صهیونیستی، این ماده تفاوت چندانی با قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت ندارد جز اینکه در آن ماده از محارب نیز استفاده شده است که واقعا مشخص نیست سنخیت آن با محاربه ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی و ضرورت وجود عنصر سلاح در تحقق محاربه چیست و خوشبختانه در این طرح از محاربه سخنی به میان نیامده است؛ وانگهی این طرح فقط در ارتباط با رژیم صهیونیستی نبوده و شامل کلیه دول متخاصم خواهد شد و نکته مهم آن تصریح به دولت ایالات متحده آمریکا نیز می باشد که از این جهات قابل دفاع بوده و جامعیت بیشتری نسبت به قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت دارد. وانگهی شدت عملی که در این ماده اتخاذ شده ناظر به شرایط جنگی قابل دفاع است و عنوان افساد فی الارض در این ماده هماهنگی کاملی با ماده ۲۸۶ ق.م.ا. دارد. در ماده ۲ این طرح به اقداماتی پرداخته که در راستای تأیید، تقویت، تحکیم و یا مشروعیت بخشی به رژیم صهیونیستی می باشد و آنها را افساد فی الارض دانسته است. نفس این تلقی قانونگذار تا حدود زیادی قابل دفاع است اما مقتضی بود که مجلس به نحو دقیق تر و واضح تری در این زمینه صحبت می کرد تا راه برای برداشت های ناصواب بسته شود.

ماده ۳ این قانون بیش از دو ماده قبلی درخور مذاقه است. چرا که در این ماده برای حدود ۲۰ رفتار عنوان افساد فی الارض پیش بینی شده است. از طرفی برخی از این رفتارها با تلقی ماده ۲۸۶ ق.م.ا. از افساد فی الارض سازگاری چندانی ندارد؛ زیرا در ماده ۲۸۶ نوعی گستردگی در رفتار علاوه بر نتیجه مدنظر قرار گرفته است. حال اینکه قانونگذار سال ۱۳۹۲ برای نخستین بار تعریفی از افساد فی الارض ارائه کند اما قانونگذار سال ۱۴۰۴ رفتارهایی را افساد فی الارض بداند که بعضا سنخیتی با آن تلقی ق.م.ا. نداشته باشد درخور انتقاد است. مثلاً بند پ که از تعبیر هرگونه "اقدام...." استفاده می کند و برای رفتار موضوع آن قائل به هیچ نتیجه ای نیست، با ماده ۲۸۶ و تلقی قانونگذار سال

۱۳۹۲ از افساد فی الارض همخوانی ندارد. درواقع یک مسئله مهم در این ماده این است که بالاخره نظام قانونی ما باید یک تعریف واحدی از افساد فی الارض ارائه بدهد و این قانون با مبانی شرعی پذیرفته شده در ماده ۲۸۶ ناهماهنگ است و از نظر آن افساد فی الارض نیست، در حالی که این طرح شمول افساد فی الارض را بلامانع دانسته و بالاخره مشخص نیست کدام قانون با فقه هماهنگی بیشتری دارد. ایراد دیگری نیز که به این ماده وارد است این بوده که برخی از رفتارهای این ماده از جمله در بند ب در ارتباط با پهلپاد که از بکارگیری آن صحبت می کند، اگر نتایجی همانند آنچه در ماده ۲۷۹ ق.م.ا. داشته باشد با محاربه بیشتر سازگار است تا افساد فی الارض؛ زیرا تردیدی در سلاح بودن پهلپاد های با کاربرد انفجاری و نظامی نیست. لذا مقتضی بود همانند توجه بالایی که در این طرح به افساد فی الارض شده بود، به محاربه نیز توجه کافی شده و بحث مفصلی به عمل می آمد. یک ایراد مشترکی که به این سه ماده وارد است این بوده که چرا مجلس به جای اینکه بگوید مرتکب به اعدام محکوم می شود عبارت مشمول مجازات مندرج در صدر ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی یا مانند آن را به کار برده است؟ جدای از اینکه برخلاف تصور این طرح در ماده ۲۸۶، مجازات در ذیل ماده آمده است نه صدر آن، این ادبیات ایجاد یک ابهام می کند که دو راه حل بیشتر ندارد و به هر دو راه حل انتقاداتی وارد است. ابهام این است که وقتی مجلس می توانست به راحتی از کلمه اعدام استفاده کند ولی به جای آن به ماده ۲۸۶ ارجاع داده است، آیا این کار بدان معنا نیست که تحقق عنوان افساد فی الارض در این طرح منوط به تطبیق رفتارهای مورد بحث با ماده ۲۸۶ خواهد بود؟ به پاسخ مثبت سه انتقاد وارد است؛ اولاً عنوان قانون از لفظ تشدید استفاده کرده است؛ اگر دوباره قرار باشد مهمترین مواد این طرح به ماده ۲۸۶ ارجاع داده شوند پس تشدید چه معنایی دارد؟! این یعنی طرح مزبور در سه ماده نخست آن دستاوردی نداشته باشد و تکرار مکررات باشد که خلاف اصل حکمت قانونگذار است. ثانیاً با توجه به فلسفه وضع این طرح و فضای کشور در زمان تصویب آن، خیلی بعید است که مقصود مجلس چنین باشد.

به پاسخ منفی نیز انتقاد وارد است؛ زیرا این راه حل نمی تواند به نحو منطقی به این پرسش پاسخ دهد که اگر منظور مجلس همان اعدام است و نیازی به احراز شرایط ماده ۲۸۶ نیست، چرا خود را به تکلف انداخته و صراحتاً از اعدام سخن نگفت؟! حکمت قانونگذار اقتضا دارد که بگوییم مجلس هدفی را از این عبارت دنبال می کرد. ثانیاً تفسیر به نفع متهم نیز به راه حل نخست نزدیک تر است و راه حل دوم این امتیاز را ندارد. پس مشخص شد که پایبندی به اصل حکمت قانونگذار باعث طرح مناقشه به هر دو راه حل خواهد بود.

درباره مواد ۴ تا ۷ دو نکته قابل طرح دارد: اولاً درباره ماده ۵ سازوکارهای اجرایی این ماده محل تأمل است و اقتضا داشت که تهیه یک آیین نامه اجرایی در این زمینه پیش بینی می شد؛ طبیعتاً بررسی آیین نامه مذکور پس از تصویب آن شیوه های اجرایی این ماده را بیشتر روشن می نمود و در وضعیت کنونی، چاره ای نیست که به انتظار نشسته و رویه قضایی را در این خصوص بررسی کنیم. ثانیاً ماده ۶ این قانون حاکی است که قانونگذار به دو وضعیت متفاوت

توجه دارد؛ یکی زمان جنگ یا وضعیت های امنیتی یا نظامی به تشخیص شورای عالی امنیت ملی و دیگری شرایط عادی. درباره ماده ۷ دو نکته قابل ذکر است: نکته اول اینکه مدت استجازه مذکور به حکم بند ۱۲ آن دو سال است؛ وقتی ماده ۸ مفاد این استجازه را از تاریخ تصویب این قانون لازم الاجرا می داند، آیا این بدان معناست که ترتیبات رسیدگی پیش بینی شده در این استجازه صرفاً برای دو سال خواهد بود و پس از گذشت دو سال از تاریخ تصویب، محاکم و دادسراها به همان مقررات عادی قانون آیین دادرسی کیفری باز می گردند؟ از طرفی در ماده ۸ قید زمانی وجود ندارد و بعلاوه بعید است منظور مجلس چنین باشد؛ لذا این ماده از این جهت مبهم است.

نکته دوم اینکه آیا بهتر نبود که به جای آنکه در قانون به این صورت به سندی دیگر ارجاع دهد، مفاد آن را عیناً در خود طرح ذکر می کرد تا هم از منظم تر باشد و هم از ابهاماتی همانند آنچه درباره مدت زمان استجازه گفته شد جلوگیری شود؟ اما در مجموع به نظر می رسد این ماده یک حسن مهم دارد و آن پیش بینی رسیدگی افتراقی است که قابل دفاع بوده و اگر مجلس مفاد استجازه مذکور را در طرح می آورد، دیگر مشکلی نبود. درباره ماده ۹ ایراد بسیار مهمی وجود دارد و آن این است که مجازات های موضوع این قانون را با ترتیبات و شرایطی که در این ماده ذکر شده به رفتارهایی که قبل از این قانون رخ داده اند نیز تسری می دهد. امری که به روشنی خلاف اصل ۱۶۹ ق.ا است که می گوید: "هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود." عطف به ماسبق نشدن مجازات ها به صراحت در این اصل مورد پذیرش قرار گرفته و هیچ قانونی صلاحیت نقض آن را ندارد و آنچه در ذیل ماده ۴ قانون مدنی عنوان شده صرفاً ناظر به قوانین حقوقی است و اطلاق اصل ۱۶۹ را مقید نمی کند .

بنابراین طرح مذکور علیرغم مزایایی که دارد و گامی که در جهت تحقق کامل سیاست کیفری افتراقی ویژه زمان جنگ بر می دارد، ابهامات قابل توجهی نیز دارد که به راحتی نمی توان از آنها چشم پوشید. خوشبختانه شورای نگهبان این طرح را به این شکل که مورد بررسی قرار گرفت پذیرفته و برای رفع برخی ابهامات به مجلس بازگرداند. به گزارش دکتر هادی طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان عمده ابهامات و ایرادات شورای نگهبان به این مصوبه چنین است: ضرورت دقت در تعریف مفاهیم، دقت در تطبیق احکام با موازین شرعی، لزوم دقت در رعایت قانون اساسی. همچنین در زمینه دقت در تطبیق احکام با موازین شرعی به توسعه دایره شمول افساد فی الارض در ماده ۲ و یا عدم شمول آن در موارد واقعی همچون محدود کردن مجازات به حبس تعزیری درجه چهار در ماده ۵ برای مواردی مانند واردات و توزیع سازمان یافته و گسترده ابزارهای ارتباطی غیرمجاز با هدف مقابله با نظام که ممکن اشاره شده است. بدیهی است در زمینه آنچه نگارندگان درباره ماده ۳ مصوبه بیان کردند، تشخیص فقهای شورای نگهبان از جهت مفهوم شناسی عنوان فقهی افساد فی الارض مناط اعتبار و روشن کننده خواهد بود. در زمینه قانون اساسی نیز

علاوه بر آنچه نگارندگان اشاره کردند، شورای نگهبان از این جهت که ماده ۹، مصوبه را از زمان تصویب و نه از زمان تبدیل شدن به قانون پس از طی مراحل قانونی لازم الاجرا دانسته، خلاف اصل ۱۶۹ دانسته است.

در راستای ایرادات شورای نگهبان، مجلس در جلسه علنی روز ۲۲ تیر ماه ۱۴۰۴ این طرح را اصلاح نمود؛ اصلاحات مزبور به نحوی است که تا میزان زیادی ایرادات وارده را مرتفع ساخته است اما برخی از نقایص کماکان باقی هستند که مورد بررسی قرار خواهند گرفت. مشروحاً اصلاحیه طرح به شرح ذیل است:

ماده ۱- هر گونه اقدام عملیاتی برخلاف امنیت کشور یا منافع ملی و نیز هر گونه فعالیت اطلاعاتی و یا جاسوسی برای رژیم صهیونیستی یا دولت های متخاصم از جمله دولت ایالات متحده آمریکا یا سایر رژیم ها و گروه های متخاصم یا برای هر یک از عوامل وابسته به آنها مستوجب مجازات اعدام و مصادره اموال است. هر گونه اقدام عملیاتی برخلاف امنیت کشور یا منافع ملی چنانچه فساد فی الارض نباشد، مستوجب حبس تعزیری درجه یک است.

تبصره ۱- کلیه جرایم موضوع این قانون با رعایت ماده (۱۴۴) قانون مجازات اسلامی خواهد بود.

تبصره ۲- دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی از منظر این قانون و سایر قوانین، متخاصم محسوب می شوند. در سایر موارد مرجع تشخیص دولت ها و رژیم ها و گروه های متخاصم و همچنین هر گونه رفع تخاصم شورای عالی امنیت ملی است.

ماده ۲- هر گونه اقدام امنیتی، نظامی، اقتصادی، مالی، فناوری، و یا هر گونه مساعدت مستقیم و غیرمستقیم در صورتی که با علم و آگاهی منجر به تقویت، تحکیم یا مشروعیت بخشی به رژیم صهیونیستی شود مستوجب مجازات اعدام و مصادره اموال خواهد شد و در غیر اینصورت مرتکبین با توجه به نتایج زیانبار جرم به حبس تعزیری درجه (۲) تا (۴) محکوم می شوند.

ماده ۳- هر گونه همکاری و مساعدت با علم و آگاهی در انجام موارد زیر به قصد همکاری با رژیم صهیونیستی و یا دول متخاصم یا سایر رژیم ها و گروه های متخاصم مستوجب مجازات اعدام و مصادره اموال می باشد:

الف - ساخت، متصل کردن قطعات (مونتاژ)، تأمین، انتقال، هر نوع معامله، حمل، نگهداری، وارد نمودن به کشور، بکارگیری و یا هر گونه بهره برداری از هر گونه سلاح گرم، سرد و یا غیرمتعارف از جمله شیمیایی، میکروبی، هسته ای، اعم از سنتی و نوین به هر نحو که قابلیت کشتار، تخریب یا ایجاد رعب و وحشت داشته باشد یا اجزا و قطعات آنها

ب- ساخت، متصل کردن قطعات، مونتاژ وارد نمودن به کشور، به کارگیری و یا هر گونه بهره برداری از به کارگیری و یا هر گونه بهره برداری از ریزپرنده ها از جمله پهپادهای کوچک و کوادکوپترها (پهپادها یا هوشمان یا ربات ها یا

اجزا و قطعات آنها با کاربری نظامی، جاسوسی، تخریبی، ترور یا اخلاک‌گرانه در سامانه‌های حیاتی و زیرساخت‌های کشور

پ - هر گونه جنگ رایانکی یا سایبری (حملات رایانکی) یا سایبری، اخلاک در شبکه‌های ارتباطی، سامانه‌های اطلاعاتی یا زیرساخت‌های حیاتی کشور و خرابکاری در تأسیسات یا اماکن عمومی یا خصوصی

تبصره ۱- هر گونه دریافت وجه یا مال نظیر ملک، خودرو، طلا، ارز و هر نوع دارایی رمزنگاری شده از جاسوسان یا وابستگان به سرویس‌های اطلاعاتی با علم به وابستگی آنها، در صورتی که منجر به انجام اقدامات موضوع این ماده و مواد (۱) و (۲) این قانون شده باشد، حسب مورد به مجازات مقرر در مواد مذکور محکوم می‌شود و چنانچه مرتکب به دلیلی خارج از اراده موفق به اقدام نشود به مجازات حبس تعزیری درجه (۴) و چنانچه از ابتدا قصد انجام نداشته یا بعداً منصرف شده باشد به جزای نقدی معادل وجه دریافتی محکوم می‌شود.

تبصره ۲- موارد مندرج در این ماده چنانچه به قصد همکاری، تقویت، تحکیم یا مشروعیت بخشی به رژیم صهیونیستی یا دول متخاصم یا سایر رژیم‌ها و گروه‌های متخاصم نباشد، مشمول قوانین مربوط است.

بر اساس اصلاحات ماده ۴؛ عبارت «ایجاد تفرقه یا خدشه به» به عبارت «و یا برخلاف» اصلاح و عبارت «همچنین ارسال فیلم یا تصاویر به شبکه‌های معاند یا بیگانه که در صورت انتشار آن نوعاً موجب تضعیف روحیه عمومی، ایجاد تفرقه یا خدشه به امنیت ملی باشد مستوجب مجازات حبس تعزیری درجه پنج و انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی بوده و راهپیمایی و تجمعات غیر قانونی در زمان جنگ مستوجب حبس تعزیری درجه چهار خواهد بود» به عبارت «همچنین ارسال فیلم یا تصاویر یا اطلاعات به شبکه‌های انسان رسانه‌ها یا صفحات مجازی معاند یا شبکه‌ها، انسان رسانه‌ها یا صفحات مجازی بیگانه در صورتی که برخلاف امنیت ملی باشد، چنانچه مشمول مجازات شدیدتری نباشد بر اساس نوع اطلاعات و یا تصاویر یا فیلمها مستوجب حبس تعزیری درجه پنج و انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی و نیز راهپیمایی و تجمعات غیرقانونی در زمان جنگ مستوجب حبس تعزیری درجه ۴ خواهد بود»، اصلاح می‌شود.

یک تبصره به شرح زیر به آن الحاق می‌شود:

وزارت اطلاعات مکلف است ظرف یک ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون مصادیق شبکه‌های معاند را تعیین و حداقل هر شش ماه یک بار به روزرسانی نماید.

ماده ۵- استفاده، حمل، نگهداری، خرید یا فروش یا وارد کردن ابزارهای الکترونیکی ارتباطی اینترنتی ماهواره‌ای فاقد مجوز از قبیل استارلینک برای استفاده شخصی ممنوع و مستوجب حبس تعزیری درجه شش و ضبط تجهیزات

خواهد بود. تأمین، تولید، توزیع، نصب و راه اندازی و واردات به قصد توزیع ابزارهای مذکور مستوجب حبس تعزیری درجه پنج و نیز انجام کلیه موارد مذکور به قصد مقابله با نظام یا جاسوسی در صورتی که افساد فی الارض یا محاربه نباشد، مستوجب حبس تعزیری درجه چهار خواهد بود.

طبق اصلاحات ماده ۶، عبارت «و اعلام» قبل از عبارت «شورای عالی امنیت ملی» اضافه و عبارت «مجازات موضوع این قانون در موارد موضوع این ماده، فارغ از ماهیت کشور یا رژیم یا گروه ذینفع اعم از متخاصم یا غیرمتخاصم، متوجه مرتکب خواهد بود» حذف می شود.

ماده ۸- رسیدگی به جرایم موضوع این قانون با رعایت احکام زیر خواهد بود:

1 - کلیه مواعید قانونی لازم الرعایه بیش از پنج روز مندرج در آیین دادرسی از قبیل ابلاغ و اعتراض درخصوص جرایم موضوع این قانون، پنج روز تعیین می شود.

2 - هرگاه ضمن رسیدگی به جرایم موضوع این قانون در دادگاه نقص تحقیقاتی احراز شود دادگاه می تواند رأساً نیز نسبت به تکمیل تحقیقات اقدام نماید.

3 - در کلیه موارد رسیدگی به جرائم موضوع این قانون در صورت وجود دلایل کافی به تشخیص قاضی دادرسی و یا دادگاه حسب مورد قرار بازداشت موقت تا ختم رسیدگی و صدور حکم قطعی صادر می شود. این قرار غیر قابل اعتراض در مراجع دیگر خواهد بود. هرگونه تغییری در قرار، توسط دادگاه رسیدگی کننده صورت می پذیرد.

4 - آرای صادره موضوع این قانون به جز اعدام، قطعی و لازم الاجرا می باشد. احکام اعدام با مهلت حداکثر ۱۰ روز قابل تجدیدنظرخواهی در دیوان عالی کشور می باشد.

ماده ۹- در جرایم موضوع این قانون که قبل از تصویب این قانون نیز جرم بوده است مرتکب در صورتی که پیش از لازم الاجرا شدن این قانون شروع به ارتکاب جرم کرده یا مقدمات آن را فراهم نموده باشد یا جرم انجام شده باشد، چنانچه خود و سایر شرکا و معاونین جرم را ظرف پانزده روز به نهادهای ذی ربط معرفی کرده یا جرایم در حال وقوع را گزارش دهد دادگاه موظف است جهات تخفیف مجازات تعزیری را در مورد آنها اعمال نماید و در غیر این صورت مرتکب به دلیل عدم معرفی خود علاوه بر مجازات تعزیری مربوط به حبس تعزیری درجه پنج نیز محکوم می شود.

درباره مواد ۱ تا ۳ مصوبه اولیه مجلس گفته شد که معلوم نیست چرا به جای اینکه گفته شود افساد فی الارض و مستوجب اعدام، گفته شده افساد فی الارض و مستوجب مجازات ماده ۲۸۶ ق.م.ا. و ایراد این موضوع گفته شد؛ اما در این نسخه اصلاحی، ابهام مزبور از جهت اینکه آیا لازم است شرایط ماده ۲۸۶ ق.م.ا. احراز شود یا خیر مرتفع شده است؛ اما یک ایراد بزرگتری در این اصلاحیه پدیدار گشته و آن حذف عنوان افساد فی الارض است و به هیچ عنوان اشاره نشده که اعدام مزبور از چه باب است؟ آیا از باب افساد فی الارض است و اگر بله چرا مجلس این عنوان را حذف نموده است؟ لذا این ایرادی است که خود آثار دیگری دارد، به نوعی که حدی یا تعزیری بودن این نوع از اعدام معلوم نیست و نمیتوان گفت که آیا نهادهای ارفاقی و تبدیل مجازات بر آن مجازات هموار می گردد یا خیر! همین مسئله باعث ایجاد تشتت آرای مختلف در محاکم قضایی خواهد شد. همچنین در ذیل ماده ۱ حکمی اضافه شده که اگرچه ذاتاً قابل دفاع است اما ارتباط آن با حکم دیگر ماده ۱ مشخص نیست و صحبت از این شده که اگر اقدام عملیاتی برخلاف امنیت کشور یا منافع ملی فساد فی الارض نباشد، مستوجب حبس تعزیری درجه یک است که این پرسش را ایجاد می کند که آیا مواردی که قبل از این حکم در همین ماده آمده است از باب افساد فی الارض است؟ اگر بله چرا این عبارت ذکر نشد و اگر یک حکم جداگانه است چرا در قالب یک ماده جداگانه نیامد و ذیل همان ماده ۱ ذکر شد؟ این ایرادی است که از جهت نظم در نگارش مواد باید به آن توجه شود. به نظر می رسد منظور این ماده از افساد فی الارض این است که اقدام عملیاتی مزبور به نفع رژیم صهیونیستی، ایالات متحده و یا دول و گروه های متخاصم باشد و اگر چنین چیزی احراز نشد، حبس تعزیری درجه یک در انتظار مرتکب است که شایسته مجلس با دقت بیشتری به این موضوع می پرداخت. دو تبصره به ماده ۱ افزوده شده است؛ درباره تبصره ۱ که مقرر می دارد کلیه جرایم این ماده با رعایت ماده ۱۴۴ ق.م.ا. خواهد بود، معلوم نیست افزودن این تبصره چه ضرورتی دارد؛ مگر قرار بود رسیدگی و صدور حکم در خصوص مجازات های این قانون بدون رعایت ماده مذکور باشد؟! در هیچ یک از مواد این طرح پیش از اصلاح به این موضوع اشاره نشده است، لذا این تبصره زائد است. تبصره ۲ این ماده تأکیدی است بر آنچه در خود ماده آمده و مرجع تشخیص دولت، رژیم و گروه متخاصم را شورای عالی امنیت ملی دانسته است که از قابل دفاع است. ماده ۲ این طرح قبل از اصلاح، مورد ایراد شرعی شورای نگهبان قرار گرفته بود که به آن اشاره شد؛ در اصلاحات صورت گرفته تغییری داده شده که جرم مزبور را به صورت مقید درآورده است؛ زیرا پیش از اصلاح صحبت از این نبود که آیا رفتارهای موضوع این ماده برای اینکه منجر به افساد فی الارض گردد باید در عمل منجر به تقویت رژیم صهیونیستی شوند؛ اما با اصلاحات انجام شده این قید نتیجه برای جلب نظر شورای نگهبان افزوده شده که قابل تأیید است. بعلاوه ذکر کرده که اگر نتیجه ناگوار مزبور رخ ندهد حبس تعزیری درجه ۲ تا ۴ در انتظار مرتکب خواهد بود .

در ماده ۳ چند تغییر اتفاق افتاده که جالب توجه اند؛ اولاً کلمه "اقدام" از ابتدای بند پ حذف شده که شاید منظور مجلس این بوده که با حذف این کلمه رفتار شدیدتری را مستوجب اعدام در نظر گرفته اند که البته قدری محل تأمل است، ثانیاً در اقدامی قابل دفاع بند د حذف و به تبصره ۱ دگرگون شد و حکم مساعدتری را در نظر گرفته شد که قابل تأیید است، ثالثاً تبصره ۲ الحاقی به این ماده نیز از باب تأکید ذکر شده است زیرا اگر ذکر نمی شد نیز مشخص بود وقتی اعمال مزبور برای همکاری و تقویت به رژیم صهیونیستی و یا سایر دول و گروه های متخاصم نباشند و بالتبع از شمول این طرح خارج شوند، با آنها مطابق سایر قوانین رفتار می شود. با وجود این، ایرادی به این تبصره وارد نیست و تأکید مزبور قابل تأیید است. در ماده ۴ نیز تغییراتی اتفاق افتاده است که خیلی جای بحث ندارد. تنها اتفاق قابل ملاحظه افزودن تبصره ای است که وزارت اطلاعات را مکلف به تعیین مصادیق شبکه های معاند ظرف یک ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این طرح و به روزرسانی آن در هر شش ماه یکبار است؛ ترتیبی که قابل دفاع بوده و باید آن را تأیید کرد، زیرا باعث شفافیت بیشتر این طرح شده و راه را برای هر نوع تفسیر به رأی می بندد. تغییر قابل ملاحظه ای که در ماده ۵ رخ داده اضافه شدن عبارت "...در صورتی که افساد فی الارض یا محاربه نباشد..." به ذیل ماده مزبور است؛ جدای از اینکه با توجه به ماده ۲۷۹ ق.م.ا. چگونه ممکن است اقدامات مذکور محاربه باشد، پیش بینی اینکه چنانچه رفتارهای مذکور افساد فی الارض نباشد مستوجب حبس تعزیری درجه ۴ خواهد بود، ضرورت چندانی نداشت، زیرا بدیهی بود که قاضی ابتدا باید به بررسی تحقق مجازات شدیدتر که همان افساد فی الارض می باشد پرداخته و اگر نبود به حبس تعزیری درجه ۴ حکم کند و حکم مزبور اگر پیش بینی هم نمی شد از روح کلی مواد مرتبط با جرایم حدی و تعزیری علیه امنیت ملی قابل استنباط بود.

تغییرات صورت گرفته در ماده ۶ دو مورد می باشد؛ اولاً اضافه شدن عبارت "و اعلام" قبل از عبارت "شورای عالی امنیت ملی" که قابل دفاع بوده و به شفافیت در اجرای این طرح می افزاید؛ همچنین حذف عبارت ذیل این ماده مساعد به حال متهم است؛ با وجود این، بقای این عبارت خیلی ضرورت نداشت و چه بسا بتوان از بقای آن نیز دفاع کرد. ماده ۷ در نسخه ای که در دسترس نگارندگان است وجود ندارد و اگر واقعاً حذف شده دلیل این کار مشخص نیست. البته از جهت صلاحیت دادگاه انقلاب با این حذف تغییری رخ نمی دهد زیرا براساس بند الف ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی در صلاحیت دادگاه انقلاب بوده و جرایم موضوع این طرح از مصادیق واضح و روشن جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی می باشند. وانگهی درباره اختصاص شعب ویژه دادگاه انقلاب که در ماده ۷ مصوبه قبل از اصلاح پیش بینی شده بود، با توجه به ماده ۵۶۶ ق.آ.د.ک. و مورد ۸ از بند الف ماده ۱ آیین شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی منعی وجود ندارد. درباره ماده ۸ نگارندگان پیش از اصلاحات اعمال شده گفتند که بهتر بود متن استجازه صورت گرفته از مقام رهبری در خصوص رسیدگی به جرایم اقتصادی در این طرح ذکر می شد. خوشبختانه این نکته در اصلاحات اعمال شده رعایت گردیده است و تنها تغییر

صورت گرفته حذف برخی از بندهای این استجازه از جمله بند ۱۲ آن درباره مدت اعتبار این استجازه است که معلوم می شود رسیدگی افتراقی موضوع این طرح دائمی است .

ماده ۹ این طرح قبل از اصلاحات دارای مغایرت با اصل ۱۶۹ ق.ا بود و شورای نگهبان نیز همین نظر را داشت. در اصلاحیه صورت گرفته این ایراد مرتفع شده و موردی به آن افزوده شده که از آنجایی که ایرادی نسبت به آن به نظر نمی رسد، نگارندگان عین ماده مزبور را در متن این گفتار ذکر نمی کنند .

در مجموع به نظر می رسد ایرادات مهم این طرح در اصلاحیه صورت گرفته رفع شده و نظر شورای نگهبان تا حدود زیادی تأمین گردیده است. با وجود این درباره حذف عنوان افساد فی الارض از سه ماده ابتدایی این طرح باید دید شورای نگهبان به لحاظ شرعی چه نکاتی در این خصوص دارند.

بحث و نتیجه گیری

بی تردید لازم است هر نوع اتخاذ تدبیر، پیرامون انواع نگرش سیاسی و کیفری در شرایط فوق العاده جنگ نظامی، چنان جامع شرایط باشد تا بتواند هر نوع نیاز مقتضی در انواع کنش کیفری و دادرسی افتراقی را رفع سازد؛ لذا لازم است اصول مسلمی پیرو تعریف و مفهوم جنگ و شرایط جنگی، وجه تمایز جرایم ویژه زمان جنگ در تعاریف، مفاهیم، گستره و مصادیق، دادرسی فوق العاده، رسیدگی افتراقی، تشدید و تخفیف مجازاتها، لازمه تعقیب و تحقیق، کیفر و جرمشناسی جامعه مطلوب از سوی واضع قانونی به نحوه معلوم و مقید وضع گردد. البته همواره نبایست از تلاش و مساعی قانونگذار و همچنین دستگاه محترم قضایی در اشاره و رفع ابهام از این موارد غافل ماند، کما اینکه مقصود نگارندگان از این مطلب، تعبیه یک دستور العمل نظام واحد در سیر نگاشته های این مقال است. تخصیص دادگاه های خاص زمان جنگ، جرم شناختی محور مدارانه به موضوعات مرتبط از جمله جرایم علیه امنیت، پردازش دادرسی فوق العاده و همچنین سیاست کیفری تشدید مجازات و قوانینی مثل تخلفات زمان جنگ و مجازات های آنها مصوب سال ۱۳۵۹ یا طرح عنوان تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی یا قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت و...همگی از جمله موارد مسلم سیاست کیفری افتراقی نظامی حقوقی در پرتو شرایط جنگ نظامی است. این مقال همواره با پرهیز از اطاله کلام و پرداختن به کلیه موضوعات از ابعاد ماهوی و شکلی همواره به تبیین مواردی بسنده نموده که از دید تعریف و مفهوم شناسی، شگرفی در منابع حقوق ندارد، لذا همین ضعف از حیث مصداق شناسی میتواند گاهاً موجب تشتت آراء در رویه قضایی، تضییع حقوق و یا سقط حقوقی در حل جریان و بحرانها گردد؛ بنابراین توجه به مطالب و عرایض از پیش گفته نگارندگان، تا حد وسیع از ثقل مفاهیم عنوان سیاست کیفری افتراقی نظام حقوقی ایران در شرایط جنگ نظامی کاسته و آن را به تسهیل درک و تبیین مصادیق و تعاریف، قریب نموده است؛ کما اینکه نظام حقوق رومی ژرمنی ایران بر پایه و مبنای اصل قانونی

بودن تعقیب، دادرسی، جرایم و مجازات‌ها به سیر رعایت قاعده فقهی قبح عقاب بلایان می‌بایست همواره به تعیین عنوان دقیق باید و نباید‌ها پردازد.

تاکنون چند نکته از بررسی‌ها و دقت‌های صورت گرفته کشف شد: نخست اینکه ضرورت افتراقی سازی سیاست کیفری (اعم از حقوق ماهوی و شکلی) در شرایط جنگ گرم اثبات شد؛ ثانیاً با بررسی حقوق داخلی مشخص شد که قانونگذار ما به این ضرورت بی‌توجه نبوده و سعی کرده تا حدودی این مهم را در نظر بگیرد؛ با وجود این تصویب طرح تشدید مجازات جاسوسی و همکاری کنندگان با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی در مجلس نشان داد که به زعم او، قوانین پیشین این ضرورت را به طور کلی تأمین نمی‌کنند. اما در راستای بررسی‌های صورت گرفته و بررسی مزایا و خلأ‌های موجود، نگارندگان لازم می‌دانند که چند پیشنهاد را مطرح کنند.

پیشنهاد در حقوق ماهوی: همانطور که در بررسی طرح مجلس گفته شد، ضرورت دارد که قانونگذار علاوه بر جاسوسی و مانند آن، به سایر جرایمی که به هر ترتیب قبح بیشتری در شرایط جنگی دارند نیز توجه کند و قوانین جامعی را در این زمینه پیش‌بینی نماید. در جرایم مختلف اقتصادی همانند اختلاس ضرورت تشدید مجازات احساس می‌گردد؛ زیرا یک امر بسیار مهم پیرامون شرایط کشور در وضعیت جنگی، امنیت اقتصادی است و هر رفتاری که تهدیدی علیه امنیت اقتصادی کشور در این شرایط باشد بدون تردید، محکوم است. مواردی همانند جعل برخی اسناد و اشیاء نظیر اسکناس‌های رایج نیز بدلیل خلاف آسایش عمومی بودن و ضرورت حفظ آسایش عمومی در این وضعیت، تهدید شدیدتری در شرایط جنگی برای جامعه ایجاد می‌نمایند. وانگهی از ظرفیت عناوین فقهی همچون افساد فی الأرض و محاربه و بغی نیز نباید غافل شد. اگر قرار باشد به ماده ۲۸۶ ق.م.ا. توجه کافی گردد، یکی از مصادیق واضح تحقق اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ارتکاب این دست از جرایم است که هم قاضی می‌تواند با خاطری آسوده مبادرت به صدور حکم نماید و هم جامعه از این برخورد قاطع حمایت خواهند نمود. در راستای انتقادات طرح شده نسبت به طرح مجلس، مهمترین موردی که باید مورد دقت قرار گیرد این است که اعدام‌های پیش‌بینی شده در سه ماده نخست آن از چه باب است؟ اگر از جهت افساد فی الأرض است که به نظر می‌رسد چنین باشد، همانطور که پیش‌تر گفته شد باید نسبت به ماده ۳ این طرح و ارتباطش با افساد فی الأرض دقت‌های لازم فقهی به عمل آید؛ امری که خود بحثی مستقل می‌طلبد و از حوصله این نوشتار خارج است.

پیشنهاد در حقوق شکلی: در ماده ۸ طرح مجلس پیش‌بینی‌های قابل دفاعی شده است. همانطور که پیش‌تر گفته شد لازم است که در اجرای ماده ۵۶۶ ق.آ.د.ک. و آیین‌نامه موضوع تبصره این ماده، نسبت به تخصیص شعب تخصصی به این جرایم اقدام و دادرها و دادگاه‌های ویژه تشکیل گردد. نکته دیگر اینکه در اصلاحات مجلس

نسبت به طرح مذکور، بند نخست استجازه صورت گرفته از مقام معظم رهبری در خصوص رسیدگی به جرایم اقتصادی وجود ندارد؛ زیرا در طرح اولیه به کلی به استجازه مذکور ارجاع می شد اما در اصلاحات صورت گرفته تنها چهار بند آن ذکر شده و بند نخست که تعدد قضات با حداقل ۲۰ سال سابقه قضایی را در این دادگاه پیش بینی می نمود نیامده است. به نظر می رسد با وجود روند سریع رسیدگی در خصوص این جرایم، وجود تعدد قضات با تجربه که باعث تحقق تصمیم گیری براساس مشورت خواهد شد و هم از تجربه ای غنی برخوردار می باشند، دقت در رسیدگی را تضمین کند. در مواد ۲ تا ۵ این طرح پس از اصلاح، حبس های تعزیری درجه ۶ تا ۴ پیش بینی شده که رسیدگی به آنها مطابق ماده ۲۹۷ و ۳۰۲ ق.آ.د.ک. با توجه به عدم ذکر پیش بینی خاص در این طرح، با وحدت قاضی می باشد.

منابع و مآخذ

قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران

قانون آیین دادرسی کیفری

قانون مجازات اسلامی

قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت

قانون تخلفات زمان جنگ و مجازاتهای آنها

طرح تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی

لازرژ، کریستین، برگرداننده نجفی ابراند آبادی، علی حسین، ۱۴۰۱، درآمدی بر سیاست جنایی، چاپ دهم، انتشارات میزان

اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۷، حقوق جزای عمومی جلد دوم، چاپ پنجاهم، انتشارات میزان

ره پیک، حسن، ۱۳۹۸، مقدمه علم حقوق، چاپ پانزدهم، انتشارات خرسندی

کامفر، بهداد، ۱۴۰۳، دوره پیشرفته حقوق، جزای عمومی و اختصاصی، چاپ شانزدهم، انتشارات اندیشه نوین پژوهش

نوربها، رضا، ۱۳۹۰، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ سی و دوم، انتشارات گنج دانش

گلدوزیان، ایرج، ۱۴۰۰، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ دهم، انتشارات مجد

منصورآبادی، عباس، ۱۳۹۷، کلیات حقوق جزا، چاپ چهاردهم، انتشارات میزان

غفوری، احمد، ۱۳۹۹، شرح آزمون قانون مجازات اسلامی، چاپ پنجاه و پنج، انتشارات آریاداد

محقق داماد، سید مصطفی، ۱۴۰۱، قواعد فقه ۴ بخش جزایی، چاپ چهل و سوم، مرکز نشر علوم اسلامی

موسوی خویی، آیت الله العظمی سید ابوالقاسم، ۱۳۹۸، منهاج الصالحین، انتشارات مدرسه امام باقر العوم (ع)، جلد دوم

ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۵، حقوق بین الملل عمومی، چاپ بیست و سوم، انتشارات گنج دانش
موسی زاده، رضا، ۱۳۹۶، بایسته های حقوق بین الملل عمومی، چاپ بیست و هفتم، نشر میزان

References

Constitution of the Islamic Republic of Iran.

Code of Criminal Procedure.

Islamic Penal Code.

Law on Confronting Hostile Acts by the Israeli Regime against Peace and Security.

Law on War Offenses and Their Punishments.

Draft Bill on the Increase of Punishments for Espionage and Collaboration with the Israeli Regime.

Lazare, Christian. (2022 / 1401 SH). *Introduction to Criminal Policy* (10th ed.). Translated by Najafi Ebrand Abadi, Ali Hossein. Tehran: Mīzān Publishing.

Ardebili, Muhammad-Ali. (2018 / 1397 SH). *General Criminal Law* (Vol. 2, 50th ed.). Tehran: Mīzān Publishing.

Rah-Payek, Hasan. (2019 1398 / SH). *Introduction to Jurisprudence* (15th ed.). Tehran: Khorsandi Publishing.

Kamfar, Behzad. (2024 / 1403 SH). *Advanced Law Course, General and Special Criminal Law* (16th ed.). Tehran: Andisheh Novin Research Publishing.

Norbahā, Reza. (2011 / 1390 SH). *Foundations of General Criminal Law* (32nd ed.). Tehran: Ganj-e Danesh Publishing.

Goldouzian, Iraj. (2021 / 1400 SH). *Commentary on the Islamic Penal Code* (10th ed.). Tehran: Majd Publishing.

Manṣūrābādī, ‘Abbās. (2018 / 1397 SH). *General Principles of Criminal Law* (14th ed.). Tehran: Mīzān Publishing.

Ghāfūrī, Aḥmad. (2020 / 1399 SH). *Annotated Commentary on the Islamic Penal Code* (55th ed.). Tehran: Aryādād Publishing.

Muḥaqqiq Damād, Sayyid Muṣṭafā. (2022 / 1401 SH). *Fiqh Rules: Criminal Section* (43rd ed.). Qom: Islamic Sciences Publishing Center.

Mūsawī Khū'ī, Ayatollah al-'Uzmā Sayyid Abū al-Qāsim. (2019 / 1398 SH) *Minhāj al-Ṣāliḥīn* (Vol. 2). Qom: Imam Bāqir (a) School Publishing.

Zīyā'ī Bīgdilī, Muhammad-Rezā. (2006 / 1385 SH) *Public International Law* (23rd ed.). Tehran: Ganj-e Danesh Publishing.

Mūsī Zādah, Reza. (2017 / 1396 SH) *Essentials of Public International Law* (27th ed.). Tehran: Mīzān Publishing.

